

ممنوعیت حجاب زنان مسلمان در کشورهای غربی و مغایرت آن با موازین حقوق بشری

۶۵

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

جمال بیگی^۱
جعفر حیدر قلی زاده^{۲*}

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، تبریز، آذربایجان غربی، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

حجاب پوششی است برای زن که در ادیان دیگر از جمله یهودیت، مسیحیت و زرتشت وجود داشته است، به طوری که در دین مقدس اسلام نیز زن ها از شخصیت والا، عالی رتبه و بلند پایه برخوردار هستند. بعد از اسلام در ادوار تاریخ به خصوص از زمان بروز جنگ های صلیبی مخالفت با حجاب وجود داشته، تا این که پس از وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱) در ایالات متحده آمریکا، مخالفت ها و ممنوعیت ها درباره حجاب به دلیل اسلام هراسی، تروریسم خواندن مسلمانان و بروز اندیشه های اسلامی در کشورهای غربی از جمله فرانسه، آمریکا، بلژیک، سوئیس، ترکیه و جمهوری آذربایجان تشدید یافت. هدف این نوشتار بررسی ممنوعیت های حجاب در کشورهای اروپایی و مغایرت آن با موازین حقوق بین المللی و حقوق بشری است. استدلال ما این خواهد بود که دلایل مخالفت با حجاب در کشورهای غربی، اسلام ستیزی و اسلام هراسی است. چون حجاب اسلامی را مولود اسلام می دانند که به نظر خود اگر حجاب را ناپود کنند اسلام را ناپود خواهند کرد. به نظر می رسد، این ممنوعیت ها و تبعیض ها علیه زنان مسلمان به دلیل پوشش اسلامی خلاف مقررات حقوق بین المللی و حقوق بشری از جمله: منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، سایر کنوانسیون های بین المللی و حتی قوانین اساسی داخلی خود این کشورها می باشد. روش تحقیق در مقاله حاضر مبتنی بر مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا می باشد.

کلید واژه ها: زن، حجاب، حجاب اسلامی، کشورهای غربی، حقوق بشر، حقوق بین الملل.

پوشش و حجاب اسلامی یکی از مسایل مهم فرهنگی است که در همه ادیان، اقوام و ملل جهان به آن توجه خاصی شده است. در اسلام که در میان ادیان الهی بر قله های کمال و جامعیت جا گرفته است با دقت و ظرافت خاصی به این مساله مهم فرهنگی توجه شده و پیشرفته ترین احکام را برای مساله حجاب و پوشش وضع کرده است، به گونه ای که همه مصالح اخلاقی، اجتماعی، روانی، خانوادگی و اخروی زنان و مردان جامعه را بر آورده سازد. از نظر اسلام حجاب و پوشیدگی زن از بهترین جلوه های بندگی است و حجاب اسلامی نشان عنایت حق بر قامت فرشتگان زمین است. در فرهنگ اسلام حجاب دینی تجلی گاه ارزش های زن مسلمان است و هر چه زن پوشیده تر باشد گرانبها تر است، ولی این مساله در طول تاریخ موجب بروز تعارض و مخالفت کشور های غیر اسلامی قراگرفته و تا به امروز هم بر شدت آن افزوده شده است.

حال سوالی که در مقاله حاضر می تواند قابل طرح و بحث باشد این است که آیا مخالفت ها با حجاب و پوشش اسلامی زنان مسلمان در کشور های اروپایی و هم چنین تبعیض علیه آنان به دلیل داشتن حجاب اسلامی مغایر با حقوق بین الملل و حقوق بشر است یا خیر؟ به نظر می رسد اجرای این سیاست ها به منظور مقابله با حجاب و اندیشه های اسلامی بوده که خلاف قوانین و مقررات حقوق بین المللی و نقض حقوق بشر است.

موضوع پژوهش حاضر در پنج محور مطرح گردیده است. ابتدا حجاب و پوشش اسلامی را توضیح و بعد حجاب را قبل از اسلام در ادیان مختلف و عرب جاهلیت و بعد از اسلام بررسی کرده و در مبحث بعدی دلیل مخالفت کشور های غربی با پوشش و حجاب اسلامی را تبیین و آن را از دیدگاه حقوق بین الملل و حقوق بشر مورد تطبیق و بررسی قرار می دهیم.

۱- تعریف حجاب و پوشش اسلامی

واژه حجاب از ریشه حجب (بر وزن فعل) به معنای مانع شدن چیزی در مقابل چیز دیگر است. (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۰) در زبان فارسی به معنای در پرده کردن، روگیری، عفاف، حیا، پرده، حاحز، رداع، حائل میان دو چیز، پوشاک، هر آن چه خود را بدان پوشند، روپوش، روبند، نقاب و غیره آمده است (ملاابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۲) به عبارت دیگر، استعمال کلمه "حجاب" در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و به خصوص در اصطلاح فقها کلمه "ستر" که به معنی پوشش است به کار رفته است.

فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند کلمه

ستر را به کاربرده اند نه کلمه حجاب را پس بهتر بود این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می بردیم. زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شد که عده ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و برون نرود. (مطهری، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۲)

ولی اخیراً از کلمه حجاب اسلامی در جای کلمه ستر و پوشش استفاده می کنند و آن هم به خاطر جامعیت و گویایی آن برای بیان پوشیدگی زن از نظر اسلام است. زیرا که "ستر" و "پوشاندن" مانند "حجاب اسلامی" گویای پوشیدگی و نوع و حدود آن نمی باشد، مگر این که قید اسلامی را به آن اضافه کنیم که در آن صورت "پوشش اسلامی" معادل "حجاب اسلامی" خواهد بود و همه آن چه را که خداوند در سوره های نور و احزاب از زنان خواسته است در پوشیدگی خود رعایت کنند را در بردارد. (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹) بنابراین پوشش اسلامی می بایستی ضمن لحاظ حدود شرعی مذکور در رساله عملیه، با خودنمایی و جلب نظر و نگاه نا محرم همراه نباشد. (بیگی، ۱۳۹۱: ۳)

۲- حجاب قبل از اسلام

مساله حریم و عفاف میان زنان و مردان، از تعالیم همه انبیای الهی است. در ادیان الهی پیش از اسلام، حیا و عفت مورد توجه بوده است. از نقل داستان های اقوام پیشین در قرآن به خوبی فهمیده می شود که آن ها نیز بر اساس تعلیمات پیامبران، با حیا و پاکدامن بوده اند؛ به عنوان نمونه سخن از پاکدامنی و عفت حضرت مریم می رود و دختران شعیب با حالت حیا به موسی می گویند و قوم لوط به خاطر انحرافات جنسی دچار عذاب الهی می شوند. (حق شناسی، ۱۳۹۰: ۴۲)

در ادیان الهی گذشته، زنان پوشش و پوشیدگی داشته اند. در زمان بعث زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی حجابی کامل داشته اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند شوار و چادر رایج بوده است. (علیمردی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۲) چنان چه تمام زنان زرتشتی سرپوشی که تاروی مقداری از لباسشان را هم می پوشاند، بر سر داشتند و این همان روسری یا پوششی است (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۹) که برسه نوع "لچک" "چارقد" و "ماکتو" بود (بی نا، ۱۳۸۹: ۱۱) که زنان زرتشتی حتی امروز هم برای رفتن به آتشکده از آن استفاده می کنند.

به گفته ویل دورانت اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشته باشد، به میان مردم می رفت یا با مردان سخنی می گفت و درد دل

یا صدایش آن قدر بلند می کرد که چون در خانه اش تکلم می کرد، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت که بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد. یهودیان معتقد بودند که مرد باید برای پوشاک زن خویش سخاوتمندانه خرج کند، اما هدف آن بود که زن، خود را برای شوهر خویش بیاراید نه برای سایر مردها. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۹) در میان مسیحیان نیز حجاب و حریم رایج بوده است، به طوری که انجیل بر وجوب حجاب و پوشش تاکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهرت و عفاف فراخوانده، در انجیل می خوانیم: زنان جوان خرد اندیش، عقیقه، خانه نشین، نیکو و مطیع شوهران خود باشند. (علیمردی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲) بنابر آن چه از منابع تاریخی برمی آید در دوران قبل از اسلام به خصوص در دوره جاهلیت، آمیختگی و مجالست زنان و مردان در محیط های عمومی رایج بوده است. زنان عرب، لباس های بلندی بر تن داشته اند که یقه آن باز بوده است. زنان و مردان سربندی به سر می انداختند که برای حفاظت از گرما و تابش آفتاب بر سر آن ها قرار داشت (استاد ملک، ۱۳۶۷: ۱۵-۱۳) و گوشه های آن را به پشت می انداختند، به گونه ای که گردن و گریبان، آشکار بود. از آیات سوره احزاب استفاده می شود که زنان، قبل از دستور حجاب در اسلام، لباس و پوشش سراسری به نام "جلباب" بر روی خود می انداختند. زنان پایشان را به زمین می زدند تا خلخال آن صدا کند و بدانند که ایشان خلخال دارند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۲/۳) از سعید بن جبیر نقل شده است: زنان در پایشان خلخال بود و زنگ های کوچکی داشت و اگر فرد غریبه ای وارد می شد، پایشان را به عمد تکان می دادند تا صدای خلخال شنیده شود. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۴۶: ۶).

۳- حجاب از دیدگاه اسلام

برای آن که عفاف و حجاب مناسب در جامعه شکل گیرد، باید حدود و ضوابط پوشش برای مردان و زنان مورد توجه قرار گیرد و مراعات شود. چنان که پیش تر نیز اشاره شد، مقدار پوشش در زنان و مردان متفاوت است، قدر مشترک پوشش که الزاما باید توسط زن و مرد مراعات گردد، پوشاندن اندام های جنسی از نگاه نامحرم است. پوشش اندام های جنسی، حتی در برابر محارم نیز لازم و ضروری است؛ تنها مورد استثناء از این ضابطه زن و شوهرند. قرآن کریم از مردان و زنان مومن، با صفت حافظان دامن یاد کرده و می فرماید: "وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ"

الف- حجاب مردان: مردان، افزون بر پوشاندن اندام جنسی، تکلیف الزامی در زمینه

پوشاندن دیگر اندام ها ندارند؛ هر چند پوشاندن تمام بدن به جز سر و دست ها تا مچ، کاری پسندیده و مطلوب است، زیرا مانع نگاه حرام توسط زنان به اندام مردان می شود؛ (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۴) چنان که خداوند بزرگ در قرآن در آیه ۳۰ سوره نور می فرماید: قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم؛ ای پیامبر به مردان با ایمان بگو که چشم خود را حفظ کنند از نگاه نامشروع و اندام خود را نیز مستور بدارند. (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۰: ۵۴) هم چنین در آیه ۲ سوره نور تاکید می شود که پیشرو قافله ی گناه مرد است، هم چنان که در مسیر طاعت و بندگی جلودار مرد است. فقط در یک مورد زن را جلوتر از مرد ذکر می کند آن هم در زنا و در مسیر خلاف عفاف است. (جمال زاده، ۱۳۹۱: ۵۵۱)

۶۹

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

جمال
تبریزی
مؤسسه تحقیقات حجاب زنان مسلمان در کشورهای غربی و مغایرت آن با موازین حقوق بشری

ب- حجاب زنان: بر زنان واجب است که تمام بدن خود را در برابر نامحرم بپوشانند به جز "وجه" و "کفین" ۱، (خمینی، ۱۴۲۴ ق: ۲۴۳۵) البته در لزوم پوشاندن این دو موضع از بدن، از دیرباز میان فقیهان اختلاف دیدگاه وجود داشته است، بیش تر مراجع معروف و شناخته شده شیعه در عصر حاضر، پوشش وجه و کفین را واجب نمی دانند. به جز یکی از ایشان که تحت عنوان احتیاط واجب، این پوشش را لازم می داند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۴) البته در میان فقها و مراجع تقلید نسبت به استحباب پوشاندن دست و صورت دیدگاه مشترک وجود دارد. آن چه درباره عدم وجوب پوشش دست و صورت زنان گفته شد، درجایی است که موجب جلب توجه نامحرم نشود، اما در صورتی که آشکار بودن دست و صورت توجه نامحرم را جلب کند، به فتوای برخی از مراجع باید چهره و دست ها پوشانده شود یا از تیر رس نگاه نامحرم خارج شود و به فتوای برخی دیگر از مراجع، در صورتی که باعث مفسده باشد، باید پوشانده شود.

لباس مورد استفاده زنان در پوشاندن بدن، نباید نازک و بدن نما باشد. هم چنین نباید بر اثر تنگی پوشش، برجستگی های بدن زن به گونه ای تحریک آمیز در دید و نگاه نامحرم قرار گیرد. زنان هم چنین نباید زینت و آرایش خود را در برابر نامحرم آشکار سازند؛ بنابراین، حضور زنان با پوشش صحیح اما همواره با چهره آرایش کرده در برابر نامحرم، برخلاف ضوابط پوشش اسلامی است. براساس آن چه گفته شد، پوشش مناسب بانوان باید بلند و گشاد باشد. هم چنین بانوان نباید آرایش و زینت چهره و دیگر اعضای خود را برابر نامحرم آشکار سازند؛ از این رو، تاکید اساسی در این مساله باید بر پوشیدگی و نداشتن

آرایش باشد، چه این مقصود با چادر حاصل شود یا دیگر پوشش ها. البته چادر به دلیل یکپارچگی، بهترین وضعیت را در پوشاندن بدن زنان ایجاد می کند و به همین دلیل به عنوان حجاب برتر شناخته شده است. (حق شناس، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۰) چنان که در آیه ۳۱ سوره نور، به تفضیل به بعضی از موارد از جمله فرو انداختن چشم ها، پوشاندن عورت، آشکار نکردن زیور آلات، انداختن روسری تا سینه و... اشاره شده است. (اکبری، ۱۳۹۰: ۴۶) هم چنین امام رضا (علیه السلام) درباره ی فلسفه ی حجاب زنان می فرمایند "حرم النظره الی شعور النساء... لما فیه من تهیج الرجال و ما یدعوا التهیج الی النساء و الدخول فیما لایحل" حرام شد نگاه به موهای زنان برای آن که اگر موهای آن ها در برابر مردان نامحرم آشکار شود باعث تحریک و جلب توجه خواهد شد و این جلب شدن مردان به زنان، فساد و بی بند و باری را به دنبال دارد و سبب می شود که مردم در کارهای حرام وارد بشوند.

برپایه ی آیه های ۵۷ الی ۶۲ سوره احزاب، خداوند متعال با بیان بعضی اهداف حجاب فرموده که دختران و زنان با پوشش و رفتار مناسب از تحریک شهوت و از برانگیخته شدن طمع مردان نسبت به خود جلوگیری کنند تا مورد اذیت واقع نشوند. (بیگی، ۱۳۹۱: ۲) بنابراین آن چه را که اسلام به عنوان اسلام قرار داده برای حفظ ارزش های زن و مرد است و هر آن چه را که خدا دستور فرموده است چه برای زن و چه برای مرد، برای این است که آن ارزش های واقعی و عمال استعمار پایمال می شدند این ها، این ارزش ها زنده بشود. (خمینی، ۱۳۸۹: ۷۴)

۴- دلایل ممنوعیت و مخالفت با حجاب زنان مسلمان در کشورهای غربی

انجام فعالیت های مختلف در اجتماع برای زنان در عین حال که از شخصیتی والا برخوردار است، هیچ محدودیتی نیز برای انجام فعالیت های آنان وجود ندارد. والا بودن شخصیت زن محجبه به این معناست که هیچ کس نمی تواند از او سوء استفاده کند. مردم جوامع غربی مانند مردم جامعه ما نیستند که با مضرات بی حجابی آشنا نباشند، در غرب بی حجابی آفتی برای خانواده ها محسوب می شود و مشکلاتی برای زنان ایجاد می کند؛ غربی ها می دانند که اگر زنان حتی بدون گرایش های مذهبی آگاه شوند که این نوع پوشش، امنیت را برای آن ها به وجود می آورد، بدون استثناء چنین پوششی را انتخاب می کنند. یکی از دلایل مخالفت غرب با حجاب این است که مساله حجاب را نوعی اسلام گرایی و گرایش به اسلام می داند. از این رو در غرب سعی شده برای افرادی که اقدام به حفظ پوشش خود می نمایند مشکل زایی شود. به دلیل اینکه مساله بی حجابی در غرب مشکلات فراوانی را به وجود آورده است. دختران دانشجو نمی توانند در محوطه دانشگاه

ها به راحتی تردد کنند. هم چنین زنان در بسیاری از کشورهای اروپایی مجبور هستند برای عبور و مرور در هنگام شب از گارد استفاده کنند. اسلام دومین دین در اروپاست. تعداد زنان محجبه در اروپا کم نیست. هم چنین زنان مسلمانی هم در کشورهای اروپایی هستند که حجاب را انتخاب نکردند، اما زنان محجبه‌ای که در عرصه‌های مختلف علمی، هنری و ورزشی در مدارس و دانشگاه‌ها حضور دارند و اجازه نمی‌دهند از آن‌ها استفاده ابزاری شود، برای غرب تهدید بزرگی محسوب می‌شوند.

یکی از مسائل و معضلاتی که جهان غرب با آن مواجه است مساله هویت است. پیدایش فرزندان بدون صاحب و هم چنین بروز عقده‌های روانی و جسمانی در این نوع فرزندان، باعث شده که غرب در صدد مبارزه با حجاب برآید تا این بی‌هویتی را به مسلمانان نیز بکشانند، چون آن‌چه که مسلم است اگر فرزند نامشروعی متولد شود، این مولود در بزرگسالی با سوال‌های عدیده‌ای روبروست مثل این سوال‌ها: من کی هستم و پدر و مادرم کیست؟ وقتی جوابی برای خود پیدا نکند به نوعی به سردرگمی و بی‌هویتی دچار خواهد شد که این بی‌هویتی آثار سوئی برای جامعه خواهد داشت. از جمله این آثار سوء می‌توان گرایش به بزهکاری، عدم مهم بودن مساله امنیت کشور و اجتماع اشاره کرد. این مساله به طور روز افزونی دامن‌گیر غرب شده است، به طوری که غربی‌ها می‌دانند که بسیاری از مادران نمی‌توانند پدران فرزندانشان را به آن‌ها معرفی کنند، بیش‌تر شبکه‌های اروپایی یا آمریکایی در هر ساعتی از شبانه روز، ممکن نیست برنامه‌های اجتماعی نداشته باشند تا این معضل را به نوعی حل کنند؛ افراد بسیاری با مراجعه به این برنامه‌ها عنوان می‌کنند "پدران ما را پیدا کنید". به همین منظور ایجاد بانک‌های دی‌ان‌ای و فراخوان مادران، از جمله فعالیت‌های این برنامه‌های زنده است تا این قبیل معضلات را حل کنند. متأسفانه جهان غرب حجاب را مولود اسلام می‌داند و معتقد است که حجاب نشأت گرفته از اسلام است، اما خود به یقین می‌دانند که این طور نیست و جالب توجه این است براساس سندهای موجود میزان رعایت و اندازه پوشش بدنی یاد شده در ادیان دیگر مثل یهود و مسیحیت بسیار سخت‌گیرانه‌تر از اسلام است. با این وجود در دنیای کنونی غرب حجاب را سمبل اسلام دانسته و نابودی حجاب را نابودی اسلام می‌دانند. در طول تاریخ، دین برای افرادی که قصد داشتند به طور نادرست، بر مردم سیطره داشته باشند، مزاحمت ایجاد کرده است. استکبار جهانی، غرب و صهیونیسم، وجود دین در جوامع را مانع اعمال سیاست‌های خود می‌دانند و به همین دلیل با اصل دین مخالفت می‌کنند؛ اگر در گذشته از سوی آن‌ها بیان می‌شد که نباید دین با سیاست توأم شود، اکنون عنوان می‌کنند که اصلاً

نباید دینی وجود داشته باشد که بخواهد با سیاست عجین شود. غرب برای از بین بردن دین به تخریب نمادهای آن روی می آورد که در این زمینه می توان به تخریب مناره های مساجد و تهاجم به حجاب اشاره کرد. وجود مناره های مساجد، حجاب زنان مسلمان و عزاداری های مذهبی، برای افراد غیرمسلمان در جامعه سوال برانگیز خواهد بود. زن محجبه، تبلیغی برای اسلام است که به دلیل استفاده از حجاب، افراد جامعه را به سمت دین مبین اسلام راهنمایی می کند. ترس خیالی از دست دادن قدرت با رشد مسلمانان و اندیشه اسلامی اولین برخوردهای جدی جهان غرب با پدیده اسلام، در جنگ های صلیبی اتفاق افتاد. پس از جنگ های صلیبی، دومین عرصه ای که غرب با اسلام برخورد جدی داشت، در آندلس بود. حضور مسلمانان از قرن دوم تا قرن هفتم هجری در آندلس اسپانیا و برخورد اروپاییان با آن ها در این منطقه با هدف خارج کردن آن ها از اسپانیا، پس زمینه ای دیگر در ارتباط با پدیده اسلام هراسی است. سومین پس زمینه اسلام هراسی، در پی مباحث و مطالعات مستشرقین فراهم شد. مستشرقین، شرق را به عنوان یک کلیت، موضوع مطالعه ای خود قرار دادند (متاجی، ۱۳۹۱: ۳-۱) و در واقع آن ها تصویری از جوامع اسلامی و حجاب زن مسلمان در رسانه های خود ترسیم و اقدام به شخصیت پردازی و انتساب خدمات منفی چون تروریسم، خشونت طلب، خطرناک و نماد عقب ماندگی، مانع آزادی و حقوق زن و... می کنند و با اعمال درون نهادها اقدام به مقابله می کنند. (صفا وردی، ۱۳۸۹: ۳۲۷)

اسلام پس از کاتولیک دومین دین بزرگ در فرانسه محسوب می شود و به طور تقریبی دارای ۳ تا ۵ میلیون نفر جمعیت است که دارای سابقه فرهنگی هستند. در سال ۲۰۰۴، وزارت کشور فرانسه تعداد مسلمانان را تقریباً ۴/۱ میلیون نفر برآورد کرد و تعداد فرانسوی هایی که اسلام آورده اند ۴۰ هزار نفر اعلام شده است. این در شرایطی است که بر اساس قانونی که در سال ۱۸۷۲ در این کشور تصویب شد، جمهوری فرانسه نباید در آمارگیری و سرشماری های خود پرسش دینی یا قومی را مطرح کند. به دلیل روابط تاریخی فرانسه با جهان اسلام، مسلمانان این کشور بزرگ ترین جامعه مسلمانان را در اروپای غربی و به طول کلی در اروپا در خود جای داده است. اسلام، بعد از کاتولیک مسیحیت، به عنوان دومین دین این کشور به شمار می رود، به طوری که تعداد مسلمانان بیش از پروتستان ها و یهودیان این کشور است. (متاجی، ۱۳۹۱: ۳-۱) تعداد مسلمانان فرانسه را ۳ میلیون نفر تخمین زده اند که بیش ترین تعداد مسلمانان، در شهرهای پاریس، مارسلی و لیون اقامت دارند. (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۲) در میان آمار و

نتایجی که درباره حضور مسلمانان مشاهده می شود می توان به این حقیقت اشاره کرد که تعداد زنانی که اسلام می آورند در مقایسه با مردان بیش تر است و ناظران تاکید کرده اند اسلام آوردن زنان مسلمان ارتباط چندانی به ازدواج با مردان مسلمان ندارد. بنابراین در ابتدا که مسلمانان فرانسه مربوط به مهاجران بودند هیچ گونه نگرانی وجود نداشت، اما پس از اخذ آمارهای فوق از جامعه فرانسه و هم چنین به این نتیجه رسیدن که حجاب تاثیر بسزایی در مسلمان شدن خانم های فرانسوی تبار داشته، این نگرانی که حجاب اسلحه ای قدرتمند در گسترش اسلام در قاره اروپا می باشد سران کشورهای اروپایی و فرانسه را دربرگرفت. بنابراین آغاز حرکت از کشوری که دارای بیش ترین مسلمان است و هم چنین دموکراسی در اروپا از این کشور تعریف می شود برای برنامه ریزان این سناریو از اهمیت فوق العاده زیادی برخوردار بود که با آغاز این حرکت شروع مخالفت با حجاب و در نتیجه با اسلام در قاره اروپا آغاز شد.

اگر امروز دنیای غرب علیه حجاب قانونی تصویب می کند و یا برای پوشش زنان مالیات و جریمه های در نظر می گیرد، سرمنشا این حساسیت ها گسترش روز افزون اندیشه اسلامی در غرب و قدرت انقلاب اسلامی است. اقدامات کشورهای اروپایی در محدود و ممنوع کردن حجاب برای مسلمانان، بار دیگر نشان داد روند اسلام ستیزی در اروپا به خصوص در کشورهای فرانسه، بلژیک، سوئیس و... به یک رفتار نهادینه تبدیل شده است. (متاجی، ۱۳۹۱: ۳-۱) یکی از عوامل برخورد خصمانه سران کشورهای غربی با مسلمانان و ایجاد محدودیت برای آنها در این جوامع، ایجاد شدن پدیده ی موهوم "اسلام هراسی" یعنی قلمداد نمودن مسلمانان به عنوان یک خطر برای غرب و بزرگ نمایی این پدیده می باشد و هر یک از احزاب و سازمان های ضد اسلامی برآند تا با بزرگ نمایی این خطر از یک سو ضربه ای به مسلمانان وارد سازند و از جهت دیگر خود را دلسوزان تمدن غربی نشان داده و حمایت مردم را برای کسب بیش تر قدرت در دستگاه های حکومتی؛ حاصل نمایند. این اقدامات مسموم و مغرضانه که دربالا به بخشی از آن ها اشاره شد، زمینه را برای رفتارهای خشونت آمیز و غیرانسانی نژاد پرستان اروپایی و پلیس با زنان محجبه مسلمان فراهم کرده است. به عبارتی پوشش زنان مسلمان اروپا و آمریکا مجوزی برای پلیس و نژاد پرستان است که هرگونه رفتار غیرانسانی با زنان محجبه مسلمان داشته باشند. (احمد، فریدوهروی، فرزاد، ۱۳۹۱: ۲-۱)

به خصوص این حقیقت تلخ وجود دارد که "اسلام هراسی" در چند دهه گذشته به ویژه از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بعد در ایالات متحده آمریکا رو به افزایش است. یکی

از مظاهر اسلام هراسی که میان بسیاری از اروپاییان و مردم آمریکای شمالی در دهه گذشته شیوع یافته، عبارت از منع حجاب و برقع است که به وسیله ابزار های قانونی با اجبار در پوشیدن یا برداشتن برقع و حجاب خود با نقض شدید آزادی های شخصی و دینی مواجه می شوند (السامرایبی، بی تا: ۳۷) و هر روز محدودیت های بیش تر و به گونه ی وسیع تر برای مقید نمودن و به انزوا کشیدن اقلیت مسلمان در جوامع اروپایی از جمله فرانسه، سوییس، بلژیک، ترکیه و جمهوری آذربایجان روی دست گرفته می شود. ممنوعیت ساخت مناره برای مساجد در سوئیس، محدودیت های املاک برای مسلمانان، آزادی بی حد و حصر رسانه ها در تبلیغات سوء علیه مسلمانان، ممنوعیت حجاب اسلامی در دانشگاه ها و مراکز آموزشی در اکثریت کشورهای اروپایی، تبعیضات علیه مسلمانان در دادگاه ها (احمد، فریدوهروی، فرزاد، ۱۳۹۱: ۱-۲) نمونه بارز این رفتارها را می توان به رفتارهای خشونت آمیز و قتل مروه الشربینی در دادگاهی در آلمان اشاره کرد. این زن محجبه مسلمان مصری که از آزارهای یک مرد نژاد پرست آلمانی به دادگاه شکایت کرده بود، در مقابل چشمان قاضی و ده ها نفر از حاضران در دادگاه از جمله همسر و فرزند سه ساله اش، با هجده ضربه چاقوی آن متهم نژاد پرست به قتل رسید. نکته قابل توجه در این تراژدی تلاش نهادهای قضایی، دولتی و حتی رسانه های آلمان برای سرپوش گذاشتن بر این تراژدی بود. مروه الشربینی در شرایطی به قتل رسید که باردار بود و همسرش هنگام تلاش برای نجات او، هدف گلوله پلیس آلمان قرار گرفت. اگر مروه الشربینی مسلمان نبود و مورد این گونه رفتارهای نژاد پرستانه قرار می گرفت، این جنایت و خبرهای حاشیه ای آن برای مدت ها خبر اول رسانه های آلمان و اروپا بود. اما چون مروه الشربینی یک مسلمان محجبه بود و به خاطر دین و حجابش به این شکل فجیع به قتل رسید، خیلی زود خبر این جنایت، نادیده انگاشته شد.

دولت های اروپایی، به ظاهر شعار زندگی مسالمت آمیز فرهنگ ها و اقوام مختلف را می دهند و از گفتگوی بین ادیان و احترام به مقدسات سخن می گویند. با این وجود، در سیاست گذاری های دولت ها و رویکرد رسانه های غربی، جریان اسلام ستیزی در اشکال مختلف مشاهده می شود. آن ها تلاش می کنند دین اسلام را، دینی خشونت طلب معرفی کنند. دولت ها و رسانه های غربی برای این سیاست مخرب تبلیغاتی، نماد سازی می کنند. حجاب یکی از این نماد سازی های دولت های غربی است. تلاش برای ممنوعیت حجاب در مدارس و سپس گسترش این ممنوعیت به بخش های دیگر جامعه، با همین هدف صورت می گیرد. آن ها پوشش اسلامی را یک نوع تبعیض علیه زنان، تبلیغ و ترویج می کنند. این در حالی است که حجاب برای زنان مسلمان، نه تنها تبعیض نیست، بلکه عامل

مصونیت بخشیدن به او در عرصه جامعه است. بدون شک، جهان بینی و انسان شناسی هر فرهنگ و مکتبی، در انتخاب نوع و کیفیت پوشش پیروان، تاثیر به سزایی دارد. فرهنگ همان بینش و نگرش ما به هستی و پیرامون است، آن قدر نقش دارد که تمام ارزش ها و الگوها و رفتارهای فردی و اجتماعی را در بر می گیرد. (متاجی، ۱۳۹۱: ۴)

در فرهنگ اسلامی، توجه ویژه ای به زن به عنوان همسر، مادر یا عضوی از جامعه انسانی شده است. زن مظهر تحقق آمال بشر، زن پرورش ده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۰) زن با توجه به ویژگی های فیزیکی و روحی خود، به طور طبیعی تفاوت هایی با مرد دارد، اما اگر اسلام احکام ویژه ای را برای زن در نظر گرفته است، این احکام نه به دلیل تبعیض علیه زن و یا برتری مرد، بلکه به خاطر ویژگی های ارزشمندی است که خداوند متعال در وجود زن، به ودیعه نهاده است. (متاجی، ۱۳۹۱: ۴)

چنانچه قرآن مجید در سوره ی نور آیه ۳۱ درباره ی حجاب بانوان می فرماید: "زنان و دختران پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت به عنوان الگوهای جامعه اسلامی از این جهت موظفند مراقبت های بیشتری داشته باشند. زیرا آنان انسان هایی هستند که علاوه بر خودشان به پیامبر خدا نسبت داده می شوند" در سوره احزاب آیه ۳۱ می خوانیم: "ای زنان پیامبر شما مثل سایر زنان جامعه نیستید هنگامی که بامردان برخورد می کنید طوری سخن بگویید که آنان حتی از آهنگ صدایتان سوءاستفاده نکنند" هم چنین خداوند متعال در آیه ۵۹ این سوره می فرماید: "ای پیامبر خدا به زنان و دختران بگو که روسری های بلند بر خود فرو افکنند" لذا در نقل قول آمده "آن گاه که حضرت فاطمه (س) برای ایراد سخنرانی به مسجد تشریف می بردند چادر ایشان به زمین کشیده می شد که حتی حدود پائین پاها نیز دیده نشود" (بیگی، ۱۳۹۱: ۴)

۵- مغایرت ممنوعیت حجاب زنان مسلمان با قوانین داخلی کشورها و اسناد بین المللی و حقوق بشری

فضای حاکم بر اروپای امروزی زاییده تفکر سکولاریستی در قالب جدایی دین از سیاست است که بر مبنای آن دولت قوانین و احکام خود را از قوانین وضعی بشری اخذ می کند. از این رو، دولت های اروپایی به عنوان عضوی از جامعه اروپا می تواند قوانین و کنوانسیون هایی را که در سطح جهانی به تصویب و امضای این کشورها رسیده است، حمایت و در راستای تطبیق آن تلاش نماید و از تصویب و اجرای

قوانینی که در تضاد با این کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی باشد، جلوگیری نماید. با مروری کوتاه بر کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌هایی که کشور های غربی برای زندگی شان ساخته و پرداخته اند، آشکارا درخواهیم یافت که اقدامات اخیر دولت های اروپایی و آمریکایی از جمله ترکیه، فرانسه، آلمان، آمریکا در اجبار بر برداشتن برقع و حجاب زنان و دختران نقض شدید آزادی های شخصی و دینی اقلیت های مسلمان در کشور های سابق الذکر است که دلیل آن را تساوی، آزادی، یک پارچه سازی و سکولاریسم می دانند، خلاف قوانین و مقررات حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی و بشری است. (السامرای، بی تا: ۳۷-۳۹)

۵-۱- مغایرت ممنوعیت حجاب زنان مسلمان با قوانین داخلی برخی کشورها

بدون شک، حجاب و پوشش اسلامی برای زنان مسلمان از باورهای دینی محسوب شده و التزام به آن جزء فرایض دینی هر زن مسلمان است؛ از این رو، تصمیم دولت های ترکیه، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان و ایالات متحده آمریکا در مورد ممنوعیت حجاب زنان مغایر با قوانین پذیرفته شده خود این کشورها به ویژه اصول قانون اساسی آنها می باشد. (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۶: ۲) از همه مهم تر این که، این اعمال با کنوانسیون حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی اروپا مصوب ۱۹۵۰ نیز در تضاد است. (گیتس، ۱۳۹۰: ۱)

۵-۱-۱- ترکیه

برابر اصل ۴۲ قانون اساسی ترکیه، کلیه اتباع کشور ترکیه اعم از زن و مرد در حقوق، مسکن و رفاه، آموزش، آزادی های عقیدتی و بیان با هم مساوی هستند. (TurkAnayasa, 2000, Madde:42). هم چنین در اصل ۱۰ قانون اساسی ترکیه اصلاح شده در سال ۲۰۰۸ افراد بدون توجه به زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، اندیشه سیاسی، اعتقاد فلسفی، دینی، مذهبی و... در مقابل قانون برابرند و هیچ فرد، خانواده، گروه و صنفی در مقابل قانون از امتیاز خاصی برخوردار نمی باشد. نهاد های دولتی و مقامات اداری موظفند در کلیه امور و بهره مندی از هر نوع خدمات عمومی در مقابل قانون منطبق با اصول برابری عمل نمایند. (TurkAnayasa, 2010, Madde:10) از جمله می توان به شکایت لیلا شاهین دانشجوی پزشکی دانشگاه "بورصا" به دیوان اروپایی حقوق بشر که پس از انتقال به دانشگاه استانبول به دلیل برخورداری از حجاب و پوشش اسلامی از دانشگاه محروم شده بود اشاره نمود که عمل دولت ترکیه توسط این دیوان تایید شد؛ به طوری که سیاسی بودن رای دیوان

قابل تصور و استنباط بود. زیرا دیوان در سایر قضایا حدود ۲۰ بار دولت ترکیه را به نقض قواعد بین المللی از جمله قواعد حقوق بشری محکوم کرده بود که این احکام به نوعی مغایر با قانون اساسی این کشور است. (موسی زاده، ۱۳۸۶: ۷۸۱ و ۷۵۵)

۵-۱-۲- فرانسه

بر پایه قانون اساسی این کشور، فرانسه یک جمهوری غیر قابل تجزیه، غیر مذهبی، دموکراتیک و اجتماعی است. دولت، اصل برابری در مقابل قانون را برای تمام اتباع خود بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب تضمین می نماید و به تمام اعتقادات احترام می گذارد. (قانون اساسی فرانسه، ۱۹۵۸: اصل ۲)؛ چنان چه اقدامات و سخنان رئیس جمهور فرانسه نیکولا سارکوزی در سال ۲۰۰۹ در مورد محکوم کردن پوشش و حجاب زنان مسلمان در فرانسه و عنوان کردن این مطالب که حجاب و پوشش با آزادی و کرامت زنان در تعارض و نشانه سرسپردگی و بی ارزشی است؛ خلاف اصل ۲ قانون اساسی فرانسه است. (السامرایبی، بی تا: ۳۹-۳۷)

۵-۱-۳- جمهوری فدرال آلمان

به موجب اصل ۳ قانون اساسی این کشور، همه افراد در مقابل قانون برابرند و مردان و زنان حقوق متساوی دارند و هیچ کس را به مناسبت جنس پدر و مادر، نژاد، زبان، کشور محل اصلی تولد، ایمان یا عقاید مذهبی و سیاسی نمی توان مورد رفتار مادون و یا مرجح قرار داد. برابر اصل ۴ قانون اساسی؛ آزادی ایمان و وجدان و آزادی عقیده مذهبی یا فکری مصون از تجاوز خواهد بود و اجرای بدون مزاحمت آیین مذهبی تضمین می باشد. به موجب اصل ۵ قانون اساسی هر فردی حق دارد عقیده خود را آزادانه به وسیله نطق و قلم و تصاویر بیان و منتشر سازد و بدون مانع از منابعی که در دسترس همگان است بر اطلاعات خویش بیفزاید. آزادی مطبوعات و آزادی نشر اخبار به وسیله رادیو و فیلم تضمین شده است. سانسور به هیچ وجه وجود نخواهد داشت. این حقوق به وسیله مقررات قانون عمومی و مواد قانونی مربوط به حمایت طبقه جوان و بر طبق حق مصونیت شرافت شخصی تحدید پذیر است. هر فردی حق خواهد داشت که انفراداً یا به اتفاق دیگران عریضه یا شکوه نامه به عنوان مقامات صالحه و به مجالس نمایندگی بدهد. افراد آلمانی در هر استانی حقوق و تکالیف و احد مدنی خواهند داشت. افراد آلمانی بنا بر استعداد و شایستگی خود و حائز بودن شرایط ضروری حق احراز مقامات رسمی و مشاغل حرفه ای را متساویاً دارا خواهند بود. برخورداری از حقوق مدنی و کشوری و بهره مندی از حق احراز مقامات و مزایای رسمی

در مورد خدمات عمومی بایستی مستقل از نسبت های مذهبی باشد. علت بستگی یا عدم بستگی به یک فرقه مذهبی و یا مسلک معنوی نباید موجب محرومیت احدی از مزیتی بشود. (قانون اساسی آلمان، ۱۹۱۹: اصول ۳۳-۱۷-۵-۴-۳)

این در حالی است که در برخی از ایالت های آلمان به معلمان اجازه داده نمی شود که هیچ گونه نماد ظاهری مذهبی از جمله حجاب و پوششش در طول ساعت های کار خود استفاده کنند (السامرای، بی تا: ۳۹) که به عنوان نمونه می توان به قضیه فرشته لادن ۲۶ ساله، مسلمان افغانی الاصل و دارای تابعیت آلمان اشاره کرد که در امتحانات معلمی مدارس آلمان پذیرفته شد، ولی به دلیل استفاده از پوشش حجاب اسلامی از حضور در کلاس محروم شد که این امر خلاف اصول پذیرفته شده در قانون اساسی آلمان است. (میر محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲)

۵-۱-۴- ایالات متحده آمریکا

به موجب اصل ۴ قانون اساسی ۱۹۵۱ ایالات متحده آمریکا (بخش ۲ بند ۱)، شهروندان هر ایالت از تمامی امتیازات و مصونیت های شهروندان در ایالت های دیگر برخوردار خواهند شد. در اصلاحیه چهاردهم (۱۸۶۸) نیز آمده است: کلیه افرادی که در ایالات متحده متولد شده یا تابعیت ایالات متحده را کسب نموده اند و تابع صلاحیت قضایی آن هستند تبعه ایالات متحده و تبعه ایالت محل اقامتشان می باشند. هیچ ایالتی قانونی را وضع یا اعمال نخواهد کرد که امتیازات یا مصونیت های اتباع ایالات متحده را کاهش دهد و هیچ ایالتی کسی را بدون طی مراحل قانونی مقتضی از زندگی، آزادی یا حق مالکیت و نیز از حمایت مساوی قانون در حوزه قضایی خود محروم نمی سازد.

در این کشور نیز به عنوان مثال به قتل شیما العوادی، بانوی ۳۲ ساله ی عراقی و آمریکایی در ۲۱ مارس ۲۰۱۳ می توان اشاره نمود که به صورت ظالمانه ای در خانه خود در ال کافن ایالت کالیفرنیا کتک خورد و پیکر بی هوش وی به همراه یادداشتی در کنار دختر ارشدش پیدا شد که در این یادداشت نوشته شده بود: "تروریست، به کشورت برگردد" العوادی بر اثر جراحت های وارده شده بر بدنش چشم از جهان فرو بست. با توجه به پیام بر جای مانده از فرد مهاجم تردیدی نیست این حمله شریrane ناشی از بیگانه هراسی و اسلام هراسی بود که در این کشور بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شیوع یافت که مغایر قانون اساسی است. (السامرای، بی تا: ۳۷)

۵-۲- مغایرت ممنوعیت حجاب زنان مسلمان با اسناد بین المللی و حقوق بشری

بر پایه تعالیم زنده و جاویدان اسلامی، پیروان مذاهب دیگر در سرزمین های اسلامی اجازه دارند مراسم مذهبی و شعائر دینی خود را حفظ کرده و مقررات مذهبی خود را به کار ببندند. (ر.ک قربانی، بی تا: ۴۰۵-۳۹۹) به موجب مقررات حقوق بین الملل و اسناد حقوق بشری نیز آزادی مذهب و عقیده و شعائر دینی افراد به رسمیت شناخته شده است. به همین دلیل ایجاد ممنوعیت یا هرگونه محدودیت در مقوله حجاب برای زنان مسلمان در قلمرو کشورهای غربی با اسناد بین المللی و حقوق بشری مغایرت دارد.

۵-۲-۱- منشور سازمان ملل متحد

منشور ملل متحد دولت های عضو را از ایجاد محدودیت های غیر ضروری و سلیقه ای باز می دارد. بر این اساس، اقلیت های موجود در سرزمین های دولت های عضو در پرتو اصل "عدم تبعیض" و برابری افراد با یکدیگر، در حمایت حقوق بین الملل قرار می گیرند (تبربری، ۱۳۷۹: ۴۴)؛ چنان چه در بند الف ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد نیز مقرر شده کلیه دول عضو، متعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین خواهند بود. (دولت شاه، ۱۳۸۷: ۴۴)

۵-۲-۲- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

بر پایه ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶: ۱- هرکس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی، داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، هم چنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود خواه به طور فردی یا جماعت، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می باشد. ۲- هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد. ۳- آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی توان تابع محدودیت هایی نمود، مگر آن چه منحصراً به موجب قانون پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد. ۴- دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که آزادی والدین و بر حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تامین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند. هم چنین هیچ کس را نمی توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. (بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)

به عبارت دیگر، در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود بهره‌مند شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند. (ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) کما این که، همین امر؛ یعنی حق آزادی فکر، وجدان و مذهب در بند ۷ ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی علیه زنان نیز مورد تأکید واقع شده است. (مهرپور، ۱۳۸۳: ۴۹۲ و ۴۶۵ و ۴۶۲)

۵-۲-۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر

هر انسانی از حق آزادی فکر، وجدان و دین برخوردار است. این حق شامل اظهار عقیده و ایمان، تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی به نحو فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی خواهد بود. (ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

برابر ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم چنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد. به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخصی به آن تعلق دارد. خواه این کشور مستقل، تحت قیمومیت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. (ر.ک مهرپور، ۱۳۷۷: ۳۶۷-۳۶۴).

۵-۲-۴- کنوانسیون حقوق کودک

در بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ آمده است: دولت‌های عضو باید حقوق مندرج در کنوانسیون حاضر را در چارچوب صلاحیت خود بدون هیچ‌گونه تبعیض نسبت به نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، منشا ملی، نژادی و اجتماعی، مالکیت، تولد و دیگر وضعیت‌ها رعایت و تضمین نمایند.

بند ۱ ماده ۱۴ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو باید حقوق کودک در قبال آزادی، وجدان و مذهب را محترم شمرده و تضمین

نمایند. هم چنین کنوانسیون حقوق کودک در مواد ۲۰ و ۲۹ حمایت های لازم را از حقوق اجتماعی و فرهنگی کودک به عمل آورده است. (ر.ک بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۷-۳۴۶)

ماده ۳۰ این کنوانسیون هم درباره کودکان متعلق به اقلیت ها اشعار می دارد: "در کشور هایی که اقلیت های قومی، مذهبی، زبانی یا انفرادی با منشا بومی وجود دارد، کودکان متعلق به این گونه اقلیت ها با کودکی که بومی است، نباید از حق برخورداری از فرهنگ خود، برخورداری از مذهب خود و اعمال آن یا استفاده از زبان خود به همراه سایر اعضا گروه محروم شود"

۵-۲-۵- اعلامیه امحای کلیه اشکال نابرابری و تبعیض بر اساس مذهب و عقیده

اعلامیه مذکور یکی از مهم ترین اسناد بین المللی در جهت حمایت از آزادی مذهب در حقوق بین الملل به شمار می آید. مقدمه این اعلامیه ضمن اشاره به اصول برابری و حیثیت و شرافت انسانی مقرر می دارد که اعتقاد دینی یکی از عناصر اساسی تشکیل دهنده زندگی هر فرد محسوب می گردد و باید به طور کامل مورد احترام و تضمین قرار گیرد. هم چنین در مقدمه این اعلامیه آمده است: درک و بردباری مذهبی موجبات صلح جهانی و برادری را بین ملت ها فراهم آورده و باعث حذف ایدئولوژی ها یا رویه استعمارگری و تبعیض نژادی می گردد.

لذا این اعلامیه ضمن نگاه موسع به مفهوم "مذهب" و "عقیده" آزادی آموزش، عمل، عبادت و باو مندی به مذهب خود را مورد تاکید قرار می دهد و مقرر می دارد که هرگونه محدودیت های مذهبی بایستی بر اساس قانون و با توجه به پنج ضرورت حفظ امنیت عمومی، نظم عمومی، بهداشت، اخلاق یا حقوق اساسی و آزادی سایرین صورت گیرد. (موسی زاده، ۱۳۸۶: ۷۶۵)

۵-۲-۶- اعلامیه حقوق بشر اسلامی

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۱۹۹۰؛ ضمن بیان برخی از مصادیق حقوق بشر در موارد مختلف، اصل برداشتن تکلیف و عدم تبعیض در تکلیف و مسئولیت برای همه قرارداد شده است. به گونه ای که بند الف ماده ۱ این اعلامیه مقرر می دارد که: "همه مردم در اصل شرافت انسانی، تکلیف و مسئولیت برابرند؛

بدون هر گونه تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، زبان، جنس، اعتقاد دینی، وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره"

هم چنین عدم تعرض در زندگی خصوصی هر فرد انسانی از حقوق اعلام شده در این اعلامیه است. (ر.ک بند ب ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی) کما این که حمله به مقدسات و ایجاد اختلال در ارزش ها و زیان رساندن به اعتقادات مردم برابر بند ج ماده ۲۲ این اعلامیه ممنوع اعلام شده است. امری که طبعاً اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ به این روشنی به آن توجه ننموده است. (مهرپور، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۰)



نتیجه گیری

حجاب پوششی است برای مصون ماندن زن از سوء استفاده و نگاه های پلید علیه آنان که هم در ادیان دیگر از جمله یهودیت، مسیحیت و زردتشت مورد تاکید قرار گرفته است. در اسلام که در میان ادیان الهی بر قله های کمال و جامعیت قرار دارد با دقت و ظرافت خاصی به این مساله مهم فرهنگی توجه شده و پیشرفته ترین احکام را برای مساله حجاب و پوشش وضع کرده است. از نظر اسلام حجاب و پوشیدگی زن از بهترین جلوه های بنده گی است، به طوری که حجاب دینی تجلی گاه ارزش های زن مسلمان است و هر چه زن پوشیده تر باشد، گرانبهاتر باقی می ماند.

در طول تاریخ با مساله حجاب مخالفت ها و ممنوعیت هایی صورت گرفته است که در سال های اخیر بر شدت آن از طرف کشور های غربی از جمله: فرانسه، آمریکا، بلژیک، سوئیس، ترکیه و جمهوری آذربایجان به دلیل نفوذ اندیشه های اسلامی، مصون ماندن زن ها از سوء استفاده در غرب و گرایش زنان کشور های غربی به اسلام و در نهایت حجاب اسلامی بر شدت آن افزوده شده است. لذا این کشور ها برای جلوگیری از نفوذ این ایدئولوژی و اندیشه های اسلامی در غرب مخالفت و ممنوعیت هایی را در مورد زنان با حجاب اسلامی از جمله ممنوعیت حجاب اسلامی در دانشگاه ها و مراکز آموزشی در اکثریت کشورهای اروپایی و غربی، آزادی بیحد و حصر رسانه ها در تبلیغات سوء علیه زنان با حجاب مسلمان و تبعیضات علیه مسلمانان در دادگاه ها اعمال می کنند. بدون شک حجاب و پوشش اسلامی برای زنان مسلمان از باور های دینی محسوب شده و التزام به آن جزء فرایض دینی هر زن مسلمان است؛ از این رو، تصمیم دولت های اروپایی و غربی در مقوله حجاب زنان مسلمان ساکن در آن سرزمین ها در قالب ممنوعیت یا هر گونه محدودیت ناظر بر حجاب به وضوح با مقررات اسناد بین المللی و حقوق بشری از جمله بند الف ماده ۵۵ منشور ملل متحد؛ ماده ۱۸، بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۷ ماده ۵ کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی علیه زنان؛ مواد ۲ و ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم چنین با کنوانسیون ۱۹۵۰ حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی اروپا و حتی قوانین اساسی خود این کشورها در تهافت و تضاد می باشد که این اقدامات به نوعی ضعف این کشور ها در

اجرا و پایبندی به مقررات بین المللی بوده و علی رغم داعیه پرچمداری آن ها بر رعایت دموکراسی و حقوق بشر به ویژه حقوق زنان؛ این امر نقض فاحش حقوق بشری و حقوق شهروندی زنان ناظر بر حق متفاوت بودن می باشد.



منابع

الف: منابع فارسی

- استاد ملک، فاطمه (۱۳۶۷)، **حجاب و کشف حجاب در ایران**، تهران، انتشارات عطایی، چاپ اول.
- اکبری، محمدرضا (۱۳۹۰)، **حجاب زنان مسلمان**، تهران، نشر شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
- بیگی، جمال (۱۳۸۸)، **بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران**، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- (۱۳۹۱)، **حجاب کودکان و چالش های فراروی آن در ایران**، همایش منطقه ای حجاب؛ چالش و فرصت ها، حوزه علمیه بناب.
- بی نا (۱۳۸۹)، **آن روز که زنان حجاب را انتخاب کردند**، مجله نهضت جهانی اسلام، ش ۹۲.
- ترنبری، پاتریک (۱۳۷۹)، **حقوق بین الملل و حقوق اقلیت ها**، ترجمه آزیتا شمشادی و علی اکبر آقایی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی، ج ۱.
- جمال زاده، میثم (۱۳۹۱)، **مدیریت بر حضور بانوان در جامعه گامی در مسیر تعدیل اشتغال، برقراری نظم و بهبود امنیت از دیدگاه آیات و روایات**، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی اشتغال، نظم و امنیت، گیلان، نشر فرماندهی انتظامی استان گیلان؛ دفتر تحقیقات کاربردی، چاپ اول.
- حق شناسی، سید جعفر (۱۳۹۰)، **حریم عفاف (۲)**، تهران، نشر شرکت و نشر بین الملل، چاپ اول.
- (۱۳۸۹)، **جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی**؛ تبیان آثار موضوعی دفتر هشتم، تهران.
- شفیع مازندرانی، سید محمد (۱۳۹۰)، **چیستی حجاب اسلامی معنا شناسی حجاب از منظر آیات حجاب، پژوهش های فقهی**، دوره ۷، ش ۲.
- صفاوردی، سوسن (۱۳۸۹)، **بازنمایی حجاب زنان مسلمان در رسانه های غربی (جنبه های حقوقی و سیاسی)**، مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، ش ۴۸.

- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۶)، **جامع الاحکام**، قم، دفتر انتشارات آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، چاپ ششم، جلد ۲.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۶)، **قانون منع حجاب و تعارض آن با اصول دموکراسی**، قم، مجله تخصصی بانوان شیعه.
- علیمردی، مهناز؛ علیمردی، محمدمهدی (۱۳۸۹)، **حجاب و پوشش در ادیان زردشت، یهودی و مسیحیت**، مجله معرفت ادیان، سال اول، ش ۳.
- قانون اساس فرانسه (۱۹۵۸).
- قانون اساسی آلمان (۱۹۱۹).
- قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (۱۷۸۷).
- قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (۱۹۵۱) و اصلاحیه چهاردهم (۱۸۶۸).
- قربانی، زین العابدین (بی تا)، **اسلام و حقوق بشر**، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، **مسأله حجاب، تهران**، انتشارات صدرا، چاپ هفتاد و هفتم.
- ملاابراهیمی، عزت (۱۳۸۹)، **حجاب در ایران باستان**، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش ۲.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، **نظام بین المللی حقوق بشر**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- (۱۳۷۴)، **حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- (۱۳۸۹)، **منشور حقوق بشر اسلامی: ارزیابی گذشته و چشم انداز آینده**، در کتاب **منشور حقوق بشر اسلامی (چالش ها و راهکارها)**، محمدحسین مظفری، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- میرمحمدی، مصطفی (۱۳۸۶)، **عدم ممنوعیت حجاب اسلامی از منظر حقوق بین الملل اقلیت ها**، فصلنامه **مطالعات راهبردی زنان**، تهران، ش ۳۷.
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۶)، **بررسی و نقد رای دیوان اروپایی حقوق بشر در مقوله پوشش مذهبی در قضیه لیلی شاهین علیه ترکیه**، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۱، ش ۴.
- ب: منابع عربی
- خمینی، روح الله (۱۴۲۴)، **توضیح المسائل محشی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴)، **الدر المنثور**، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، جلد ۶.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، **کشاف**، بیروت، انتشارات دارالکتاب العربی، چاپ سوم، جلد ۳.
- فیومی، احمد بن احمد (بی تا)، **مصباح المنیر**، قم، انتشارات موسسه دالهجره، چاپ دوم.
- ج: منابع اینترنتی

- احمد، فرید؛ هروی، فرزاد (۱۳۹۱). **منع حجاب در فرانسه؛** تلاش برای هویت زدایی مسلمان، قابل دسترس در سایت:

<http://greenthought.persianblog.ir/post/70>.

- خیرگزاری فارس (۱۳۹۰)، **اقدامات ضد حقوق بشری غرب علیه حجاب اسلامی**، گنیس، جف، قابل دسترس در سایت:

<http://hijabiran.com/page.php?pid=221&id=122>.

- متاجی، علی (۱۳۹۱)، **دلایل مخالفت غرب با اسلام**، قابل دسترس در سایت:

<http://asrehjadid.parsiblog.com/Posts/150>.

د: منابع لاتین

- Convention on the Rights of the Child (1989).
- Declaration of Islamic Human Rights (1990).
- Declaration on the Elimination of Religious in Tolerance and Discrimination (1981).
- International Covenant on Civil and Political Rights (1966).
- Kemal Gözler, *Türk Anayasa Hukuku*, Bursa, Ekin Kitabevi Yayınları, 2000, 32+1072. Madde: 42.
- *Türkiyen Anayasa Daşıklığı 10 Madde ve 2008, 2010 ilDe*.
- Universal Declaration of Human Rights (1948).
- United Nations Organization Charter (1945).



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی